

جمع بندی طلایی

املا

ویژه کنکور ۹۹

نشر و کپی آزاد!

مؤلف:

امید میران



مبحث: امل

ادبیات به سبک امید میران

از سری پوسترهای جمع بندی

آزار : شکنجه آذار : از ماه های رومی	حَسْر : حسرت حصر : شمارش، محاصره	زمین : کره ی زمین ضمین : ضامن، کفیل	سبا : سرزمین بلقیس صبا : باد خنک و لطیف	گذاره : معبر، گذشتن از جایی گزاره : تفسیر عبارت	ازل : زمان بی آغاز عزل : برکنار کردن	امل : نام شهری عامل : حاکم، فرماندار	نقض : شکستن عهد و پیمان نغز : خوش، لطیف، بدیع، نیکو
آرزو: پدر حضرت ابراهیم (ع) آذر: آتش	خزر: نام دریاچه خضر : نام پیامبری، سرسبزی	سبق : پیشی گرفتن صبغ : رنگ زدن	سُتور : چهارپا، حیوان بارکش سَطْر : نوشته	لاگی : مرواریدها لعالی: سنگ قیمتی	آری : بله، کلمه ی جواب عاری : لغت و برهنه	امل : آرزو عمل : کار	مذموم : نکوهیده، زشت مضموم : ضمه دار، پیوست شده
اسراف : زیاده روی اصراف : برگرداندن	خصاصت : درویشی خساست : پستی، فرومایگی	سورت : تند، تیزی صورت : شکل، چهره	غازی : جنگ، جومجاهد قاضی : قضاوت کننده	متبوع : مورد تبعیت مطبوع : دل پذیر، خوشایند	اصرار : پافشاری اسرار : رازها	ابداء : آغاز کردن ابداع : نوآوری	حبوب : دانه ها هبوب : وزیدن باد
اظهار : بیان ازهار : شکوفه ها	ذقن : چانه زغن : موش گیر، نام پرندۀ ای	عَرَض : مراد، قصد قرض : وام، بدهی	فصاحت : شیوایی فساحت : گشادگی	منثور : پراکنده منصور : پیروز	اثرات : نشانه ها عشرات : لغزش ها	عمارت : بنا، ساختمان امارت : فرمانروایی - نشانه	حور : زن زیبایی بهشتی هور: خورشید
غدر، مکر، فریب قدر : میزان، ارزش	ذلات : خواری ضلالت : گمراهی	قریب : نزدیک غریب : بیگانه، عجیب	صواب : درست ثواب : مزد و پاداش	منصب : مقام، رتبه، شغل رسمی منسب : نژاد	انتصاب : گماشتن انتساب : نسبت دادن	عزیم: آهنگ نمودن عظیم: بزرگ	خاستن : بلندشدن خواستن : طلبیدن
ناق : نام درختی طاق : سقف، یکتا، توپ	سلاح : ابزار جنگ صلاح : نیکو کاری، نیکی	حول : قدرت، پیرامون هول : ترس، واهمه	اساس : پایه، شالوده اثاث : جنس، کالا	تأجیل : مهلت دادن تعجیل : شتاب کردن	ارش : واحد طول عرش : تخت پادشاهی	إزار : لنگ، شلوار عذار : چهره	اهرام : هرم ها احرام : آهنگ حج کردن
تخلص : ربودن تخلص : نام شعری، رهایی	عبث : بی فایده عبس : ترش رویی	صَرَه: کیسه سره: ناب، بی عیب	تور : وسیله ی صید ماهی طور : نام کوهی	ضیا: نور، روشنایی ضیاع: ج ضیعت، زمین و دارایی ها	امید : آرمان، آرزو عمید : بزرگ، سرور	اجل : فرمان مرگ عجل : شتافتن	حرس : پاسبان ها هرس : بریدن شاخه ها
ترد : شکننده طرد : راندن، تبعید	غرس : کاشتن قرص : استوار	فراغ : آسایش فراق : دوری، جدایی	غالب : چیره، اکثر قالب : هیئت، شکل	مألوف : انس گرفته معلوف: چاق	برائت : بیزاری، نفرت براعت : برتری	تأمل : اندیشیدن تعمّل : به کار برداختن	میاهات : افتخار مباحات: کارهای مشروع
سُخره : تمسخر صخره : تخت سنگ	فرز: جدا کردن فرض : تعیین کردن	هَرَم : گرمای آتش حرم : اندرونی، اطراف مکان مقدس	زکی: پاک، پاکیزه ذکی: باهوش	فطرت: سرشت، طبیعت فترت: سستی	بحر : دریا بهر : برای	معونت : کمک کردن مئونت : هزینه ی زندگی	غوی : گمراه قوی : نیرومند
شست : انگشتر زه کمان، زه گیر شصت : عدد ۶۰	قُرب : نزدیکی غرب: یکی از جهات	زَلّت: خطا، لغزش ذَلّت: خواری، پستی	حیات: زندگی حیاط: فضای جلوی خانه	مرئی : آشکار مرعی : مراعات شده	تعویذ: بازوبند تعویض : جا به جایی	مأمور : اجرا کننده ی حکم معمور : آباد، آبادان	اهمال : سستی کردن احمال : کمک کردن برای حمل بار
غرابت : شگفتی قربابت : نزدیکی	نثر : پراکنده نصر : پیروزی	رقم: عدد رغم: کراهت	ذرع: گز، واحد طول زرع: کشاورزی	حذر : پرهیز و دوری حضر : مقابل سفر	سنا : نور ثنا : حمد و ستایش	الیم : دردناک علیم : دانا	حلال : پاک هلال : ماه نو
غزوه : جنگ قزوه : پاک از گناه	هله : آگاه باش حلّه : پارچه ابریشمی	خان: رئیس، سرور خوان: سفره	خار: تیغ گل خوار: پست و بی ارزش	نسب: نژاد، نسبت نصب: گماشتن	زکی: پاکیزه، پاک، پارسا ذکی: هوشیار، زیرک	تحدید : محدود کردن تهدید : ترساندن	مهجور : دور افتاده محجور : منع شده از تصرف مال به دلیل کم عقلی
قادر : توانا، از صفات خداوند غادر : بی وفا، خائن	روزه: از اعمال عبادی روضه : باغ	مستقل: آزاد مستغل: ملک درای درآمد	مستور : پوشیده، پنهان مسطور : سطر شده، نوشته شده	سمین: چاق ثمین: گرانبها، قیمتی	تراز : میزان، رتبه، درجه طراز : آرایش حاشیه ی لباس	سقط : ناسزا، رسوایی، دشنام ثقت: اعتماد	سمن : گل یاسمن ثمن : بها
سور : جشن، ضیافت صور : شیپور صُور : ج صورت، ظاهرها	زلال: صاف، گوارا ظلال : سایه ها، سایبان ضلال : گمراهی، گمراه شدن	زن : مادینه ی آدم ظن : گمان ذن : از مذهب های بودایی	ارز : ارزش ارض : زمین عرض : پهنا	آلم : درد ورنج عَلَم : پرچم علم : دانش	بُت : مجسمه سنگی برای پرستش بَط : مرغایی	جذر : ریشه ی اعادا جزر : پایین رفتن آب دریا	حوضه : محل جمع شدن آب حوزه : ناحیه
گذاردن : نهادن، رها کردن گزاردن : ادا کردن، پرداختن	سریر: تخت پادشاه صریر: صدای قلم	مقلوب: وارونه مغلوب: شکست خورده	کهل: میانسالی کحل: سرمه کشیدن	الفا : لغو کردن القا : افکندن مطلب در ذهن کسی	مسلوب : سلب شده مصلوب : به دار آویخته	مهمل : بیهوده، بی معنی محمل : کجاوه، هودج	هادی : هدایت کننده حادی : حدی خوان
زجر : آزار ضجر : نالیدن، دل تنگی، بی قراری	حارث : کشاورز، برزگر حارس : نگهبان	غوث : فریاد قوس : کمان	اشیاح: سایه ها اشباه : ماندها	قلیان : وسیله یدود تنباکو غلیان : جوش، جوش و خروش	مرزی : منسوب به مرز مرضی : مورد رضایت طرفین	سهو: فراموشی صحو: هشیاری	توفان: غرآن، غرش کتان طوفان : باد شدید
فزا: بن مضارع افزودن فضا: هوا	غیاث : فریادرس قیاس : سنجش	محراب : محل ایستادن پیش نماز مهراب : پدر زال دستان	بحل : حلال کن بهل : اجازه بده	هدی : هدایت، راهنمایی حدی: آواز خوانی عرب	مطاع : اطاعت شده متاع : کالا	زاد: توشه، زایدین ضاد: حرف ضاد	مأثر: کارهای نیک معاصر: هم دوره
تلاق : ملاقات طلاق : جدایی	طبع : سرشت و نهاد تبع : پیروی	حرا : نام کوهی در مکه هَرّا : آواز مهیب	خیش: وسیله ی شخم زدن خویش : خود، خوشیاوند	ملاهی : آلات لهو ملاحی : دریانوردی	حین : هنگام هین: بشتاب	سفیر : نماینده، رسول، فرستاده صفیر : صدا، فریا	غدیر : آبگیر، تالاب قدیر : توانا

مبحث: املا

۱- در میان گروه واژه های داده شده، چند غلط املايي یافت می شود؟

«رجزخوانی و مفاخره، مرتعش و لرزنده، هشم و خدمتکار، آذرم و حیا، کاذبه و جاکاغذی، غرس و نشاندن، نمط و طریقه، غرفه و بالاخانه، طیلسان و ردا، زماد و مرهم، چریق آفتاب، زی حیات و جاندار»

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲- در کدام عبارت، غلط املايي وجود دارد؟

- (۱) ساغری چند شراب خورده بود و سورت مستی استیلا یافت.
 (۲) اقوال پسندیده، مدروس گشته و حرص غالب و قناعت مغلوب.
 (۳) اگر خردمندی به قلعه پناه گیرد و ثقت افزاید، البته به عیبی منسوب نگردد.
 (۴) در چنین ورطه ای اگر نه تصرفات ولایت شیخ دستگیر او شود، خوف ذوال ایمان باشد

۳- در کدام گزینه، هر دو بیت، غلط املايي دارد؟

الف) سحر چشمان تو باطل نکند چشم آویز / مست چندان که بپوشند نباشد مسطور

ب) کسی کاو طریق تواضع رود / کند بر صریر شرف سلطنت

ج) چو نیکی کند با تو بر خویشتن / همی خواند از تو ثناهای خود

د) بزد نعره ای پهلوان دلیر / به سوی نریمان چو ارغندشیر

(۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ج، د

۴- در کدام گروه کلمه، غلط املايي وجود دارد؟

- (۱) افسر و دیهیم، سنان و سرنیزه، درع و زره
 (۲) مزیح و شوخی، حاذق و چیره دست، شیح و نظیر
 (۳) سخره و ریشخند، توش و توان، وقاحت و بی حیایی
 (۴) اوان و هنگام، نسیان و فراموشی، حسیض و فرود

۵- املاي کدام بیت، درست است؟

(۱) از ناله نی هرکس هشیار نمی گردد / از صور قیامت هم بیدار نمی گردد

(۲) مرا بیدار مانده چشم و گوش و دل که چون یابم / به چشم از صبح برقی یا به گوش از وحش حرایی

(۳) هیبت او کوه را بند کمر درشکست / سولت او چرخ را سقف گهر در شکست

(۴) وصال یار به ما بس که نغض پیمان کرد / به عهد بعد رسانیم عهد قربا را

۶- در کدام عبارت، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) دل، ضعیفان مهمل نگیرد که موران به اتفاق شیر را عاجز کنند.

(۲) چاره ندید که با او به مصالحت گرایند و به اجرت کشتی مسامحت نمایند.

(۳) لعیم بدگوهر همیشه ناصح باشد تا به منزلتی رسد، پس تمنای دیگر منازل بُرد.

(۴) هر چند اخلاق او بیشتر آموذ، ثقت او به وفور کفایت فهم وی زیادت گشت.

۷- در کدام عبارت غلط املايي وجود دارد؟

(۱) پادشاهان صورتی چون عمارتی فرمایند، ننگ دارند که به خودی خود دست در گل نهند، به دیگران بازگذارند.

(۲) اندیشید و در حال جوابی مختصر چنان که صواب دانستند بر قفای ورق نبشت.

(۳) رأی زلت بخشای سعادت بخش بر ایشان ترحم فرمود و وی را بناوخت.

(۴) هر کار که به قصد نقض عهد منصوب باشد مجال تجاوز فراخ تر باشد.

ریاضی ۹۸

۸- در کدام گروه واژه ها، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) صنف و گونه، افراط و تفریط، محوطه و صحن

(۲) سترگ و عظیم، حلقه و طوق، تلبیس و نیرنگ

(۳) متلائی و درخشان، هرب و نزاع، خوالیگر و طبّاخ

(۴) ثقت و اعتماد، طاعنان و عیب جویان، تلمذ و شاگردی

۹- در کدام بیت، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) زهی ستوده خصالی که بر تو می زبید / به جمع حور و پری دعوی حیا کردن

(۲) یکی سیر شرزه به چنگال تیز / ز جنگش کجا خواستی رستخیز

(۳) وگر به خواست وی آید همی گناه از ما / ناه ایم عاصی بل نیک و خوب کرداریم

(۴) گر ناچه را نه ناله مجنون شدی حُدی / کی می ربود از کف لیلی زمام را

۱۰- در کدام گروه واژه ها، غلط املايي مشهود است؟

(۱) نثر فصیح، خطوه و گام، بذله گو و شوخ طبع (۲) خوش الحان، مهمل و مهمل، مطرب و نوازنده

(۳) طوع و رغبت، مواجب سیادت، رشحه و قطره (۴) حماسه سترگ، صلت و بخشش، صغیر و آواز

۱۱- در کدام عبارت، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) با ایشان مصالحه کرد و نان پاره داد و عزم غزای روم کرد.

(۲) احوال خویش در مطاوعت و صدق مناصحت به قابوس بنوشت.

(۳) شغل این کفایت کرده آمد؛ به زودی بروم تا آن مخذول برانداخته آید.

(۴) اگر رنج تالم هر چه فراوان تر تحمّل نیفتد در سخن، این منزلت نتوان یافت.

۱۲- در کدام بیت، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) دیده قَد تو کی سایه طوبی جوید / سینه با داغ تو کی خواهش مرهم داد

(۲) تا اختیار کردم سرمنزله رضا را / مملوک خویش دیدم فرمانده غزا را

(۳) فرق شاهی و بندگی برخاست / چون قضای نوشته آمد پیش

(۴) غو پیشرو خاست اندر زمان / که آمد به ره چار ببر دمان

۱۳- در کدام عبارت، غلط املايي به چشم می خورد؟

(۱) از ضرب گرز و شمشیر ارواح از اشباه دوری جُسته

(۲) آنچه مذموم عقل و مکروه شرع و نقل است رد ننماید

(۳) لکن ایشان را به خرس فرستادند تا لختی بیدار شوند

(۴) و او را اوقاف بسیار باشد از مستغلات و زراع در آن دیار

۱۴- در میان گروه واژه های داد هشده، املاي چند واژه نادرست است؟

«ثنا و سپاس، غرض و نشاندن، صفوت و برگزیده، تداعی و یادآوری، شیبه و آواز

اسب، غاش و کوههء زین، آذرم و حیا، سریر و اورنگ»

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

هنر ۹۸

۱۵- املاي کدام بیت، درست است؟

(۱) ارغوان و ثمن برابر بید / رایتی برکشید، سرخ و سپید

(۲) هر نفس این پرده چابک رقیب / بازی ای از پرده برآرد غریب

(۳) پیاله بر کفتم بند تا سحرگه حشر / به می ز دل ببرم حول روز رستاخیز

(۴) روزه یک سو شد و عید آمد و دل ها برخاست / می ز خم خانه به جوش آمد و می باید خاست

۱۶- املاي کدام گروه واژه ها، همگی درست است؟

(۱) منزل غایی - ذنخدان و چانه - توزیع جوایز

(۲) رشحه و قطره - عزّ و ذلّ - غرس و کاشتن

(۳) شاعبه و گمان - آزر و حیا - منقلب و دگرگون

(۴) ملک و حشم - مار قاشیه - اشباح و مانند

۱۷- در کدام عبارت، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) شیر در ایثار او افراط کرده و به زلت و سست رایبی منسوب گشته.

(۲) یکی از آنان که غدر کردند با من دم دوستی بود، ملامت و عتاب کردم.

(۳) حاکم این سخن را عظیم بپسندید و اسباب معاش یاران فرمود و معونت ایام تعطیل وفا کرد.

(۴) از حدّت و سورت پادشاهان برحذر باید بودن که غالب همّت ایشان به معظمات امور مملکت متعلّق باشد.

۱۸- در کدام بیت، غلط املايي یافت می شود؟

(۱) در اقلیم ایران چو خیلش بجنید / هزاهز در اقلیم توران نماید

(۲) خراج اگر نگزارد کسی به طیب نفس / به قهر از او بستاند کمینه سرهنگی

(۳) ولی ز باطنش ایمن مباحث و غره مشو / که خبث نفس نگردهد ب سال ها معلوم

(۴) همین دو خصلت ملعون کفایت است تو را / غریب دشمن و مردار خار می بینم

۱۹- در کدام گزینه غلط املايي یافت می شود؟

(۱) نقش شمس الدین تبریزیست جان جان عشق / کاین به دفترهای عشق اندرازل مستور بود

(۲) پس ز دفع خاطر اهل کمال / جان فرعونان یماند اندر ضلال

(۳) دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت / ولی اجل به ره عمر رهزن امل است

(۴) گه بهار و صیف هم چون شهد و شیر / گه سیاستگاه برف و زمهریر

۲۰- در کدام گزینه، غلط املايي وجود دارد؟

(۱) فخر و مباهات - زلّ زدن به مواضع عملیات - مار غاشیه

(۲) جُستن اسرار - هرج و مرج و هتاکي - بهت و حیرت همگان

(۳) مستغرق قرب الهی - فرض و مسلّم دانستن - ثمرت تجربت

(۴) مأوا کردن - غایت محبّت - شرزه شیر ارقند

خارج ۹۸

احتمالی ۹۹

مبحث: املأ

ادبیات به سبک امید میران

از سری پوسترهای جمع بندی

۲۱- در متن «گفت:شنوده ام، اما اظهار آن ممکن نیست، که بعضی از نزدیکان تو در کتمان آن مرا وصایت کرده است. و عیب فاش گردانیدن اصرار و تاکید علما در تجنب از آن مقرر است .شیر گفت: اقایل علما را وجوه بسیار است و تاویلات مختلف، و خردمندان اقتدا بدان فراخور و بر قضیت حکمت ثواب بینند. و پنهان داشتن راز اهل غیبت مشارکت است در زلت.» چند غلط املایی یافت می شود؟

۱) یک (۲) سه (۳) چهار (۴) دو

۲۲- در متن « شیر گفت:هرگاه که از صحبت و خدمت و دانش و کفایت شنزبه یاد کنم رقت و شفقت بر من قالب و حسرت و ضجرت مستولی گردد، و الحق پشت و پناه سپاه و روی بازار اتباع من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال. و آن را از قلاید روزگار و مفاخر و معاصر شمرد» چند غلط املایی یافت می شود؟

۱) یک (۲) سه (۳) دو (۴) چهار

۲۳- در کدام دوبیت غلط املایی وجود دارد؟

الف) کی تواند که دهد میوه ی الوان از چوب؟/ یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار

ب) جوانی بیامد گشاده زبان / سخن گفتن خوب و طبع روان

ج) تو گفتی که دلشان برآمد ز تن / ز حولش پراگنده شد انجمن

د) هین خمش کن تا بگوید ترجمان / کز منزلت سوی اعزاز آمدیم

۱) ج-د (۲) الف-ج (۳) ب-ج (۴) الف-ب

۲۴- در کدام بیت غلط املایی بیشتری یافت می شود؟

۱) چو در قضا تو بتازی ز بهر گرد برآری / هزار بحر بجوشد چو قطره ای بچکانی

۲) رای تو حل و عقد زمین را بود ضمان / حکم تو نشر و طیّ زمان را بود ضمین

۳) دانش به از ضیا و به جاه و مال و ملک / این خاطر خطیر چنین گفت مر مرا

۴) چو مشرقست و چو مغرب مثال این دو جهان / بدین غریب شود مرد زان بعید شود

۲۵- در چند مورد از موارد زیر غلط املایی یافت می شود؟

• بارها بر سر جمع با او ثناها گفته ام و ذکر دیانت و اخلاص او بر زبان رانده ام، اگر آن را خلافی روا دارم به تناقض منسوب گردم.

• هر چند ایار جوهر آدمی در بوته ی ریاضت سفر پدید آید؛ اما زینهار تا نخست دست در دامن همراهی نرنی، پای در عرصه ی سفر گاه منه.

• چنان چه غرض کشاورز در پراکندن تخم، دانه باشد که قوت اوست، اما گاه که علف سطوران است به تبع آن هم حاصل آید.

• پس هر یک با کینه ای در سینه مستور ترک مواصلت او کردند. سپس تفرّق به تعلق و ائتلاف مبدل گشت.

• دستور در آن وقت که پادشاه را صورت غضب چنان در خط برده بود که جز سر بر خط فرمان نهادن هیچ روی ندید در اندیشه شد.

۱) چهار (۲) سه (۳) یک (۴) دو

۲۶- در کدام گزینه، غلط املایی می یابید؟

۱) آزر م و حیا - برخواستن غو - داعیه و سپاسگزاری

۲) روضه مجسم قتلگاه - غریبانه گفتن - عاشقانه ترین لحن

۳) پاک دامنی و حیا - بی حفاظ و بی ملاحظه - تعلل کردن

۴) نظاره شدن جهان - رصدخانه مراغه - حیثیت مرگ

۲۷- املای کدام بیت، درست است؟

۱) در خانه جای عقل بود یا مقام عشق / معمور عشق باش که جان را حمایتی است

۲) ز شمع اشک و ز پروانه خاست خاکستر / چو عشق خانه برانداز می سرشت مرا

۳) این زخم که از تیغ قضا بر جگر ماست / موقوف به روی دلی از مرهم غیب است

۴) زان شب که ساعت کرد خوش بحر فراغت طالعم / چون خنده یک صبح مرا طبع پریشان خوش نکرد

۲۸- در کدام عبارت، غلط املایی یافت می شود؟

۱) آواز بوق و دهل بخاست و نعره برآمد، گفتی قیامت است از آن دحشت.

۲) چون به خانه فرود آمد همه اولیا و حشم و اعیان حضرت، به تهنیت وی رفتند.

۳) اصحاب حزم، گناه ظاهر را عقوبت مستور جایز نشمرند.

۴) هرگاه حوادث بر عاقل احاطه یابد در پناه صواب دود و بر خطا الحاح ننماید.

۲۹- در عبارت «با این که درویشی، ضایع کننده ی زور و همیت است و حجاب حیا از میان برگیرد و حاجتمند نزد اقران و کهتران خود خوار گردد، اما علما گویند که نقص کند زبانی اولی تر از فصاحت به فحش، و مذلت درویشی نیکوتر از عزّ توانگری به کسب حرام» چند غلط املایی وجود دارد؟

۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۰- املا گروه کلمات زیر را در صورت نادرست بودن، اصلاح کنید؟

- منبع بی شائبه:
- صلب و نفی:
- اهتزاز و جنبیدن:
- ظبط و نگهداری:
- طوع و رغبت:
- اذن و خواست:
- مسامحه و سهل انگاری:
- حلال بی شبهت:
- بهت و سرگستگی:
- سبیل اعتزاز:
- مه خوش لقا:
- حمیت و غیرت:
- ذوق و قریحه:
- وسیطه و میانجی:
- خوان های قدّاره کش:
- تند و فرز:
- طهارت از گناه و زلت:
- سنجش و غیاث:
- داحی و خردمند:
- وقیعت طاعتان:
- موجب سیادت:
- روضه خوان:
- قیافه یقور:
- فروگزاری جانب:
- صریر ملک:
- نیزه و سوقار:
- حوضه علمیه:
- أماس و تورم:
- نهیب و صغیر:
- شیر آقوز:
- بحبوحه و میان:
- وزر و وبال:

۱:گزینه ۳ حشم و خدمتکار / آزر م و حیا / کازیه و جاکاغذی / ضماد و مرهم /

چریغ آفتاب / ذی حیات و جاندار ۲:گزینه ۴ زوال: نابودی، نیست شدن

۳:گزینه ۱ الف) مستور: پوشیده، پنهان ب) سریر: تخت پادشاهی ۴:گزینه ۲ شبه

و نظیر ۵:گزینه ۲ هرا: آواز مهیب ۳) صولت: هیبت ۴) نقض: شکستن ۶:گزینه ۳

لثیم: پشت و فرومایه ۷:گزینه ۴ منسوب: نسبت داده شده ۸:گزینه ۳ حرب و

نزاع ۹:گزینه ۲ خاستن: به پا شدن (رستخیز خواستن: قیامت به پا شدن)

۱۰:گزینه ۲ محمل ومهد ۱۱:گزینه ۴ تعلّم: آموختن (اگر کسی رنج آموختن را

تحمل نکند، در سخن به این منزلت نمی رسد.) ۱۲:گزینه ۴ قضا:

تقدیر، سرنوشت (از زمانی که به مقام رضا و تسلیم رسیدم، فرمانده قضا و قدر،

بنده من شد) ۱۳:گزینه ۱ اشباح: ج شیخ، کالبدها، چشم ها (به قرینه ارواح)

۱۴:گزینه ۲ غرس و نشانند / قاش و کوهه زین / آزر م و حیا ۱۵:گزینه ۱

سمن: نام گلی (به قرینه ارغوان) ۲) هول: ترس (با توجه به مفهوم) ۴)

خواستن: طلب کردن (با توجه به مفهوم) ۶:گزینه ۲ زرخدان و چانه / شائبه و

گمان / اشباه و مانند / مار غاشیه ۱۷:گزینه ۳ مئونت: هزینه ی زندگی

۱۸: گزینه ۴ مردار خوار: خورنده مردار ۱۹:گزینه ۱ مسطور: نوشته شده (به قرینه

دفتر) ۲۰:گزینه ۴ شرزه شیر ارغند ۲۱:گزینه ۴ اسرار: رازها (به قرینه فاش

گردانیدن) / صواب: درست (به قرینه فراخور) ۲۲:گزینه ۳ غالب: چیره، پیروز (با توجه

به مفهوم) / مآثر: اعمال نیک (به قرینه مفاخر) ۲۳:گزینه ۳ ج) هول: ترس

د) مذلت: خواری (به قرینه اعزاز) ۲۴:گزینه ۱ غزا: جنگ (به قرینه بتازی)

بحر: دریا (۲ - ۳) ضیاع: دارایی، زمین های زراعتی (به قرینه جاه و ملک)

۴) قریب: نزدیک (به قرینه بعید) ۲۵:گزینه ۲ عیار: سنجش ۳) ستوران: چارپایان

۵) سورت: شدت اثر، شدت ۲۶:گزینه ۱ برخاستن غو ۲۷:گزینه ۳ (مأمور: گمارده

شده به کاری ۲) خواستن: طلب کردن ۴) بهر: برای ۲۸: گزینه ۳ دهشت:

سرگردانی، تعجب ۲۹: گزینه ۱ حمیت: مردانگی سؤال ۳۰: سلب و نفی اضبط

و نگهداری / احلال بی شبهت / سبیل اعتذار / خان های قدّاره کش / سنجش و قیاس

/ داهی و خردمند / قیافه یغور / فروگذاری جانب / سریر ملک / حوزه علمیه /

شیر آغوز /

گزاردن یا گذاردن:

۱. گزاردن: به جا آوردن و ادا کردن (در مورد نماز، شکر و سپاس، قرض، حق، و...) (زین)

انجام دادن (در مورد کار و فعل) بیان کردن و ابلاغ کردن (در مورد قهر و پناه) تعبیر

کردن (در مورد قواب) ۲. گزاردن: نهادن (در مورد تاثیر) قرار دادن (پیزی را در پای)

قرار دادن) وضع کردن (در مورد قانون) طی کردن، سپردن (در مورد عمر و زمان

و مکان) تأسیس کردن (در مورد بنیان و پایه) / منعقد کردن و برقرار کردن / صدمه

نزدن / اترک کردن / ورها کردن / اجازه دادن / واگذار کردن / برعهده نهادن